

چیکیده
 این مقاله سعی دارد نشان دهد که مفهوم کنایه در حوزه بیان با کلیه در فرهنگ‌های لغت در مفهوم عام به کار رفته است، بنابراین، فرهنگ‌ها منبع خاص خود به کار رفته ندارند. بیان، کنایه، فرهنگ لغت، مجاز، استعاره، تشییه، کلید واژه‌ها در علم بیان به مفهوم خاص و استعاره نیز هست اما کنایه درباره کنایه پیشنهاد نمایند و ارزش بیانی ندارند.

علی‌رزا قی‌شانی
 کارشناس ارشد زبان
 و ادب فارسی

در فرهنگ‌نامه‌ی لغت

کنایه در فرهنگ‌های لغت
 بر آن بودم که فرهنگی بجویم
 که آن مه رو نهد رویی به رویم (مولوی)

کنایه در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن و در اصطلاح ادبی سخنی است که دارای دو معنی حقیقی و مجازی باشد و این دو معنی لازم و ملزم یکدیگر باشند. مراد گوینده، معنی مجازی است اما معنی حقیقی نیز قابل رد گردن نیست.

را کنایه نامیده‌اند؛ دلیل آن شاید این باشد که فرهنگ لغتنویسان مانند قدمابه کنایه به مفهوم کلی آن- که شامل مجاز و استعاره هم می‌شد- نگاه می‌کرده‌اند.

بعضی از فرهنگ‌نویسان، با این که می‌دانستند بین کنایه با مجاز و استعاره تفاوت اساسی وجود دارد اما در فرهنگ‌های خود، کنایه را به جای مجاز و استعاره به کار برده‌اند و مرز بین کنایه و مجاز و استعاره را حفظ نکرده‌اند.

محمد معین در فرهنگ خود ذیل کنایه می‌نویسد: «فرهنگ‌نویسان کنایه را در مورد «ماجراء» (هر کلمه‌ای که در غیر معنی اصلی خود به کار می‌رود) به طور عموم به کار برند». (معین، ۱۳۷۱: ذیل کنایه)

با وجود آگاهی معین از این امر، او با تسامح با این مسئله برخوردار کرده و استعاره‌ها و مجازها را کنایه نامیده است.

دلایل تسامح فرهنگ‌نویسان

۱. بحث کنایه در کتب بلاغی قدیم بحث مستقلی نبوده و به صورت کلی مطرح شده است و در عرف عام، استعاره، تشییه و هر مجازی را کنایه نامیدند. (نک، شمیس، ۲۹: ۱۳۸۶)

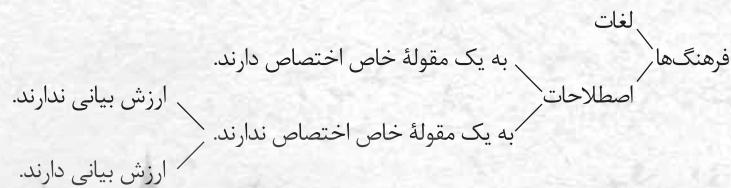
۲. هدف از مراجعته به فرهنگ‌های لغت، آموختن مباحث بیانی نیست بلکه هدف، فهم و دانستن معنی و مفهوم واژه‌هاست.

۳. شناخت مجاز، مستلزم استعمال آن در جمله (Context) است و فرهنگ‌های لغت به این منظور نوشته نشده‌اند.

برای نمونه، واژه‌های «زال گوژپشت»، «زرین صدف»، «سلطان فلک»، «طوطی صرحا»، «لعل»، «ترگس»، «تعل شام» و... در

خسرو فرشیدور درباره کنایه در فرهنگ‌های لغت می‌نویسد: «کنایه در فرهنگ‌ها گاهی به معنی کلی‌تری نیز به کار می‌رود که شامل مجاز و استعاره هم می‌شود؛ مثلاً می‌گویند «ترگس کنایه از چشم است»، «لعل کنایه از لب است»؛ در حالی که اینها استعاره‌اند و کنایه در اینجا به معنی استعاره است». (فرشیدور، ۱۳۷۸: ۶۴۹/۲)

در اصل استعاره از	معین	لغت نامه	آندراج	برهان قاطع	واژه/ فرهنگ لغت
آسمان، فلک	کنایه	کنایه	کنایه	کنایه	زال گوژپشت
خورشید	کنایه	کنایه	کنایه	کنایه	زرین صدف
آفتاب	کنایه	کنایه	—	کنایه	سلطان فلک
سبزه	کنایه	کنایه	کنایه	کنایه	طوطی صحرا
لب محبوب	کنایه	کنایه	—	کنایه	لعل
چشم محبوب	کنایه	کنایه	کنایه	کنایه	نرگس
هلال ماه	کنایه	کنایه	—	کنایه	نعل شام



نتیجه‌گیری
در جمع‌بندی از بحث، درباره کنایه در فرهنگ‌های لغت، می‌توان گفت:
۱. کنایه در فرهنگ‌های لغت با کنایه در علم بیان تفاوت دارد؛ بدین معنی که کنایه در فرهنگ‌های لغت در مفهوم عام به کار می‌رود و شامل مجاز و استعاره می‌شود اما کنایه در علم بیان در مفهوم خاص مورد نظر است.
۲. فرهنگ‌های لغت معتبری برای معانی کنایی و تشخیص کنایه از دیگر مباحث بلاغی نیست.
۳. کنایه در فرهنگ‌های لغت ارزش آموزشی و بیانی ندارد.

چند فرهنگ فارسی مورد بررسی قرار گرفت. همه این واژه‌ها را فرهنگ‌ها کنایه نامیده‌اند؛ درحالی که آن‌ها در اصل استعاره‌اند. موارد یاد شده، در نمودار زیر نشان داده شده‌اند.

تقسیم‌بندی فرهنگ‌ها

برخی از کتاب‌ها جامع همه واژگان و ترکیبات گنجینه زبان هستند و فرهنگ نامیده می‌شوند؛ مثل لغتنامه دهخدا و فرهنگ فارسی معین. برخی دیگر از کتاب‌ها، براساس جنبه مشخصی از یک زبان و در زمینه خاصی تنظیم و تهیه شده‌اند و «فرهنگ‌کواره» (ستوده، ۱۳۷۴) نامیده می‌شوند؛ چون همه لغات و ترکیبات را دربرندارند.

- منابع
- ثروت، منصور؛ فرهنگ کنایات، ۲، تهران، سخن، ۱۳۷۵.
 - رضازایی‌نژاد، فرهنگ لغات عامیانه و معاصر، ۱، تهران، سخن، ۱۳۳۷.
 - دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه، ۲، تهران، دانشگاه تهران، سخن، ۱۳۷۷.
 - ستوده، غلامرضا؛ مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی، ۴، تهران، سمت، ۱۳۷۴.
 - سجادی، سیدجعفر؛ فرهنگ معارف اسلامی، ۲، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، ۱۳۶۲.
 - شمیسا، سیروس، بیان، ۲، تهران، میترا، ۱۳۸۶.
 - فرشیدور، خسرو؛ درباره ادبیات و نقد ادبی، ۳، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸.
 - معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، ۱، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.
 - میرزا نیا، منصور؛ فرهنگ‌نامه کنایه، ۱، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸.
 - همایی، جلال‌الدین؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی، ۷، تهران، هما، ۱۳۷۰.

اقسام فرهنگ‌ها از دیدگاه علم بیان
(الف) فرهنگ‌هایی که دربردارنده اصطلاحات، ترکیبات و تعبیرات عمومی هستند؛ مثل فرهنگ‌نامه‌شعری تألیف عفیفی؛
(ب) فرهنگ‌هایی که به یک مقوله خاص اختصاص دارند؛ مثل فرهنگ اشعار صائب تألیف گلچین معانی.
از لحاظ ارزش بیانی نیز فرهنگ‌ها را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:
۱. فرهنگ‌هایی که از نظر علم بیان مورد تطبیق و استفاده و به عبارت دیگر، ارزش بیانی دارند؛ مثل فرهنگ‌نامه کنایه. تألیف منصور میرزا نیا.
۲. فرهنگ‌هایی که ارزش بیانی ندارند؛ مثل فرهنگ کنایات تألیف منصور میرزا نیا. (نمودار).